

شاید سال گذشته همین ایام بود که حال ایشان به قدری بد بود که گاهی در شبانه‌روز فقط ساعتی حال صحبت داشتند. این اواخر که دیگر در بستر افتاده بودند، گاهی در شبانه‌روز چند جمله می‌توانستند بیان کنند.

به‌محض اینکه ایشان شروع می‌کردند به صحبت، ما می‌دویدیم ببینیم به چیزی احتیاج دارند، کاری دارند خدمشان باشیم. خاطرم هست یک بار دیدم دارند صحبت می‌کنند، دویدم نزدیک.

نفسشان می‌گرفت و به زحمت صحبت می‌کردند؛ این جمله را فرمودند: هرچه برگردد مثل آقای خامنه‌ای پیدا نمی‌کنید،

اینها امور صوری است که فقط به محتوا و مضمون نظم می‌دهد، نه آنکه خودش محتوا و مضمون باشد.

آنها از برنامه‌ها می‌پرسیدند؛ بر اساس چه برنامه‌هایی عمل می‌کنید؟ سیاست‌های شما چیست و پرسش‌هایی از این قبیل. به آنها گفتم آیا می‌خواهید بدون تعارف حقیقتش را به شما بگویم؟ گفتند: بله. به آنها گفتم: ایمان ما به ولایت، ولایی بودن و اطاعتمان از ولایت.

این همان اصل و راز حقیقی است و همان چیزی است که رضایت، نصرت و یاری خداوند متعال را برای ما به دنبال دارد. یک بار برای حضرت آیت‌الله مصباح

بازخوانی گفت‌وگوی تفصیلی حجت‌الاسلام والمسلمین مجتبی مصباح یزدی با شهید سید حسن نصرالله – ۵

ولایت حقیقی



بعد چشمشان را بستند و ساعت‌ها دیگر نمی‌توانستند صحبت کنند. خیلی دربارہ حضرت آقا تأکید داشتند.

او به من می‌گفت، بارها به من گفت که من شما و مجموعهٔ حزب‌الله را به خاطر ولایتمداری و اطاعتشان از حضرت آقا، حفظه‌الله، دوست می‌دارم؛ به خاطر این ولایت‌مداری صادقانه، همین دلیل است که شما را دوست دارم.

در طول بیست سال گذشته، پس از پیروزی مقاومت در لبنان که در نهایت در سال ۲۰۰۰ میلادی به‌دست آمد و پیروزی بزرگی در جهان عرب به شمار می‌رفت، بسیاری از افراد به‌ویژه برادران عراقی و دیگر کشورها به ما مراجعه می‌کردند و از من سؤال می‌کردند که رمز این پیروزی و موفقیتی که شما به دست می‌آوردید چه

یک بار برای حضرت آیت‌الله مصباح (رضوان‌الله علیه) توضیح دادم و به ایشان عرض کردم که ما ولایت را این گونه می‌فهمیم و این هم باعث خرسندی بیشتر شد. من به ایشان گفتم… بر اساس شناختی که از مبانی، اصول و مزاج ایشان داریم، یعنی اینکه چگونه می‌اندیشند و چه چیزی باعث خوشحالی یا ناراحتی ایشان می‌شود، در این مواقع هنگامی که مسئله‌ای را بررسی می‌کنیم و احتمال می‌دهیم و کافی است احتمال بدهیم که این کار مورد رضایت ایشان است، آن کار را انجام می‌دهیم و به صرف آنکه احتمال بدهیم که کاری باعث رنجش خاطر، غضب یا ناراحتی ایشان می‌شود، از انجام آن پرهیز می‌کنیم. ایشان فرمودند این همان ولایت حقیقی است.

بوده درست است که ما شهید دادیم و مصیبت‌هایی بر ما وارد شد، اما مسیر کلی مسیر پیروزی بوده است و بجمدالله عزوجل شکست نخورده‌ایم.

دلیل چیست؟ آنها با ما درباره ساختار تشکیلاتی گفت‌وگو می‌کردند که مثلا فرماندهی جمعی و دبیرکل وجود دارد، اینکه چگونه مسئولیت‌ها تقسیم شده است، ترکیب مؤسسات و تشکیلاتمان چگونه است و چه نظام‌های داخلی‌ای داریم. من به آنها گفتم پیروزی ما به این موارد ارتباطی ندارد.

امام‌خمینی(قدس سره) فصل‌های کتاب کشف اسرار را بر اساس کتاب اسرار هزارساله در شش گفتار و یک مقدمه ترتیب داده است. مهم‌ترین مباحث کتاب کشف اسرار در ادامه بیان می‌شود.

مقدمه کتاب کشف اسرار

کتاب اسرار هزار ساله همزمان با جنگ جهانی دوم که ایران در اشغال نظامی نیروهای انگلیس و شوروی بود منتشر شد. کشف اسرار با یک مقدمه ده‌صفحه‌ای آغاز می‌شود و امام در مقدمه با اشاره به اشغال ایران نوشته‌اند که در این اوضاعی که کشور ما همچون سایر ممالک اسلامی، گرفتار جنگ و اشغال است می‌بینیم بعضی از افراد همین کشور، دست به آشوب و فتنه زده و تمام توان این کشور را برای ترویج افکار انحرافی و تفرقه‌آفرین صرف می‌کنند.

در چنین اوضاعی تمام هم و غم خودشان را حمله به دین و روحانیت قرار داده‌اند و فتنه‌انگیزی می‌کنند و در این مسیر چیزهایی را نوشته و بین مردم منتشر می‌کنند. اما سست کردن عقاید مردم نسبت به دین و روحانیت در این اوضاع، از بزرگ‌ترین جنایاتی است که بیشترین کمک را به کشورهای استعمارگر و اشغالگر درراه نابودی ایران و نابودی اساس استقلال این کشور می‌کند. امام در این مقدمه می‌نویسند که درصدد پاسخگویی به چنین کارهایی نبود، ولی چون در کتاب اسرار هزار ساله، حق‌کشی زیادی کرده‌اند، به ناچار قسمتی از راه خطا و بیدادگری‌های این‌ها را روشن می‌کنیم تا خوانندگان بدانند که سرچشمه فساد و بدبختی کشور ایران و این ملت از کجا ناشی شده است.^۱

امام از خواننده تقاضا کرده است که با حس کنج‌کاو به نظرات هر دو طرف نگاه کند و حرف هیچ‌کدام را بدون دلیل قبول نکند تا حق از باطل جدا شود.

امام می‌نوسد که نویسنده اسرار هزارساله و امثالش، خدا و قرآن را قبول دارند و از حکم عقل و خرد نیز به دور نیستند اما روایات و احادیث موجود در میراث شیعه را قبول

امام‌خمینی(قدس سره) دو پرسش ابتدائی حکمی‌زاده را که مربوط به توحید و شرک است به تفصیل پاسخ داده‌است و قریب ۱۰۰ صفحه از ابتدای کتاب به پاسخ آن دو پرسش اختصاص دارد.

پاورقی

Research@kayhan.ir

مهربانی‌اش ایده‌ای را در قالبی ساده به تو ارائه می‌دهد و امر نمی‌کند تا تو به زحمت نیفتی و به سختی نیفتی و به تو الزام نکرده باشد و این از رحمت و عطاوت پدرائه اوست. به آیت‌الله مصباح عرض کردم ما این‌گونه ولایت‌مداری می‌کنیم. نظر شما چیست؟ فرمودند: این همان ولایت حقیقی است.

ولی امر در نظر ما فقط فرمانده کلّ قوا نیست که امر و نهی صادر کند، بلکه به او عشق می‌ورزیم زیرا «ولایت یعنی عشق». آ‌یا امامت بر اساس دیدگاه ما به معنای اعتقاد به امام است، بدون اینکه او را دوست داشته باشیم؟! «امام بدون عشق!؟»

این همان امامتی نیست که ما به آن معتقدیم، بلکه فقط یک رهبری سیاسی است؛ مثل اینکه کسی از مرجمی تقلید می‌کند و آن مرجع در نظر او فقط کسی است که فتوا می‌دهد و مانند آنکه به پزشک مراجعه می‌کنم و مشکلم را با او در میان می‌گذارم و او برایم دارو تجویز می‌کند؛ اما بین من و آن پزشک که به طبابت و علمش اعتماد دارم و به توصیه‌های پزشکی او عمل می‌کنم، ارتباط عاطفی وجود ندارد.

ما به ولایت، به این شکل اعتقاد نداریم. ما ولایت را عشق، محبت، فنا، ایثار و آمادگی برای بذل خون، جان، فرزند و عزیزان خود می‌دانیم؛ برای ولی و دفاع از او.

پس این معنا تا زمانی که در جان و دل حزب‌الله وجود دارد ضمانت‌ساز و امنیت‌آور است و به همین دلیل الحمدلله چند ماه دیگر حزب‌الله چهل‌ساله می‌شود.

چهل سال است که ما در جریان بزرگی هستنیم که رشد می‌کند، بسر عظمتش افزوده می‌شود، استوار، منسجم، همیار و متحد است و درگیری و نزاعی در آن وجود ندارد؛ گرچه اختلاف دیدگاه تا بخواهید وجود دارد؛ اختلاف سلیقه تا بخواهید وجود دارد، لکن چون بر محوریت قلب یک نفر منسجم می‌شود، نهایتش جایی هست که مسائل را قطعی می‌کند و امور به آنجا ختم می‌شود و آن ولایت است.

ما توانست‌ایم در تمام این مدت چهل سال وحدت، استواری، توانایی و پابندی دقیق به این خط یعنی اصول، مبانی و اهداف را حفظ کنیم.

الحمدلله هیچ نشانه‌ای از انحراف در زمان فعلی یا نزدیک به حال وجود ندارد. من معتقدم این همان ضمانت است.

این ضمانت والد گرمای و بزرگ شما نقش بسزایی داشت؛ در تثبیت و تقویت آن در فرهنگ حزب‌الله.

ایشان هرگاه به لبنان می‌آمدند از امام سخن می‌گفتند، از مقام معظم رهبری، از ولایت، از اطاعت، از تمهید، از پیروی، از محبت و از عشق می‌گفتند.

این همان معنایی است که بنده عرض می‌کنم: «این نظر من است» کار را تمام می‌کند. اصلاً این معنای حقیقی ولایت است. انسان نباید منتظر بماند تا امامش به او امر و نهی کند. گاهی اوقات امام از روی

چاشنی ناسزا را به آن افزوده و این نوشته‌ها را بین مردم منتشر کردند.^۲

حکمی‌زاده ادعا کرده است که عقب افتادن امروز ملت ایران از اروپاییان، به خاطر دین و پیشوایان دینی مردم ایران است و عاملی که باعث پیشرفت و تعالی اروپاییان شد افسارگسیختگی و ترک مراسم دینی می‌باشد. امام‌خمینی(قدس سره) می‌نویسد که کلمه توحش برای اروپاییان مناسب‌تر از عنوان تمدن و تعالی می‌باشد البته اروپا نیز از دین و مراسم دینی خالی نیست و مراسم دینی و حضور در کلیسا و مراسم دعای آن‌ها

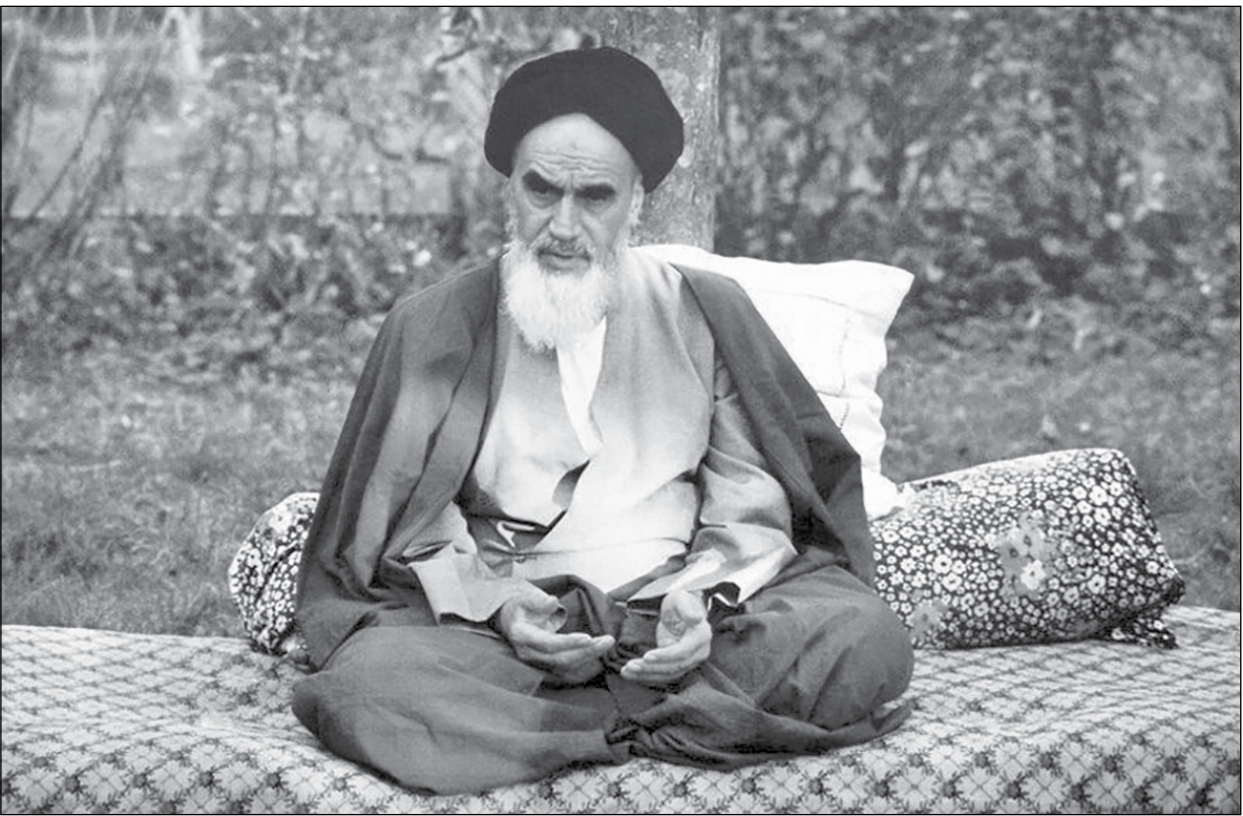
نکردند و ما نیز با استفاده از قرآن و خرد، حرف هایش را مورد نقد قرار داده و بطلان حرف‌هایش را اثبات خواهیم کرد و لزوم کرنش در مقابل روایات را نیز ثابت خواهیم نمود.^۳
این مقدمه حاوی نکات مهمی درباره ریشه‌شناسی تفکرات کسروی و حکمی‌زاده بوده و این تفکر را مورد تبارشناسی قرار داده است و امام عنوان «ریشه این گفتارها از کجا است؟» را برای این بخش انتخاب کرده است. امام با درج شرح حال محمد بن عبدالوهاب می‌نویسند که ریشه وهابیت با آرای ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم الجوزیه آغاز شده و در

بازخوانی زمینه‌های فکری و سیاسی

کتاب «کشف اسرار» امام خمینی(قدس‌سره)– ۱۵

مرور اجمالی بر محتوای کتاب کشف اسرار

سهراب مقدمی شهیدانی



این مدعیان روشنفکری در ایران، چون نمی‌خواستند رسوایی تقلید کورکورانه از شترچران‌های عاری از علم و فرهنگ وهابی را به دوش بگیرند «با زبردستی خاصی این نظریه را به خودشان نسبت داده و خود را مبتکر و پیشقدم قلمداد کردند!» و مقداری

… او برای بیش از دو دهه با همه آن‌ها در مورد طیفی از موضوعات از «کمیت‌ه آمریکایی آزادی فرهنگی» و مجله «اینکاونتر» گرفته تا استقبال از کتاب «دکتر ژبوگو» باسترناک مکاتبه داشت.

او حتی به پوشش موضوعات مورد نظر سازمان سیا در رسانه‌ها کمک می‌کرد، و در یک مورد با پیشنهاد کورد مه‌یر موافقت کرد که خود شلزینگر «به سردبیر» یک مجله ایتالیایی پیشنهاد دهد «که با انتشار مجموعه مقالاتی به مقایسه مسئله آزادی‌های مدنی در نظام شوروی و ایالات متحده بپردازد.»

معتمدیم، بلکه فقط یک رهبری سیاسی است؛ مثل اینکه کسی از مرجمی تقلید می‌کند و آن مرجع در نظر او فقط کسی است که فتوا می‌دهد و مانند آنکه به پزشک مراجعه می‌کنم و مشکلم را با او در میان می‌گذارم و او برایم دارو تجویز می‌کند؛ اما بین من و آن پزشک که به طبابت و علمش اعتماد دارم و به توصیه‌های پزشکی او عمل می‌کنم، ارتباط عاطفی وجود ندارد.

ما به ولایت، به این شکل اعتقاد نداریم. ما ولایت را عشق، محبت، فنا، ایثار و آمادگی برای بذل خون، جان، فرزند و عزیزان خود می‌دانیم؛ برای ولی و دفاع از او.

پس این معنا تا زمانی که در جان و دل حزب‌الله وجود دارد ضمانت‌ساز و امنیت‌آور است و به همین دلیل الحمدلله چند ماه دیگر حزب‌الله چهل‌ساله می‌شود.

چهل سال است که ما در جریان بزرگی هستنیم که رشد می‌کند، بسر عظمتش افزوده می‌شود، استوار، منسجم، همیار و متحد است و درگیری و نزاعی در آن وجود ندارد؛ گرچه اختلاف دیدگاه تا بخواهید وجود دارد، لکن چون بر محوریت قلب یک نفر منسجم می‌شود، نهایتش جایی هست که مسائل را قطعی می‌کند و امور به آنجا ختم می‌شود و آن ولایت است.

ما توانست‌ایم در تمام این مدت چهل سال وحدت، استواری، توانایی و پابندی دقیق به این خط یعنی اصول، مبانی و اهداف را حفظ کنیم.

الحمدلله هیچ نشانه‌ای از انحراف در زمان فعلی یا نزدیک به حال وجود ندارد. من معتقدم این همان ضمانت است.

این ضمانت والد گرمای و بزرگ شما نقش بسزایی داشت؛ در تثبیت و تقویت آن در فرهنگ حزب‌الله.

ایشان هرگاه به لبنان می‌آمدند از امام سخن می‌گفتند، از مقام معظم رهبری، از ولایت، از اطاعت، از تمهید، از پیروی، از محبت و از عشق می‌گفتند.

این همان معنایی است که بنده عرض می‌کنم: «این نظر من است» کار را تمام می‌کند. اصلاً این معنای حقیقی ولایت است. انسان نباید منتظر بماند تا امامش به او امر و نهی کند. گاهی اوقات امام از روی

چاشنی ناسزا را به آن افزوده و این نوشته‌ها را بین مردم منتشر کردند.^۲

حکمی‌زاده ادعا کرده است که عقب افتادن امروز ملت ایران از اروپاییان، به خاطر دین و پیشوایان دینی مردم ایران است و عاملی که باعث پیشرفت و تعالی اروپاییان شد افسارگسیختگی و ترک مراسم دینی می‌باشد. امام‌خمینی(قدس سره) می‌نویسد که کلمه توحش برای اروپاییان مناسب‌تر از عنوان تمدن و تعالی می‌باشد البته اروپا نیز از دین و مراسم دینی خالی نیست و مراسم دینی و حضور در کلیسا و مراسم دعای آن‌ها

نکردند و ما نیز با استفاده از قرآن و خرد، حرف هایش را مورد نقد قرار داده و بطلان حرف‌هایش را اثبات خواهیم کرد و لزوم کرنش در مقابل روایات را نیز ثابت خواهیم نمود.^۳
این مقدمه حاوی نکات مهمی درباره ریشه‌شناسی تفکرات کسروی و حکمی‌زاده بوده و این تفکر را مورد تبارشناسی قرار داده است و امام عنوان «ریشه این گفتارها از کجا است؟» را برای این بخش انتخاب کرده است. امام با درج شرح حال محمد بن عبدالوهاب می‌نویسند که ریشه وهابیت با آرای ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم الجوزیه آغاز شده و در

نکردند و ما نیز با استفاده از قرآن و خرد، حرف هایش را مورد نقد قرار داده و بطلان حرف‌هایش را اثبات خواهیم کرد و لزوم کرنش در مقابل روایات را نیز ثابت خواهیم نمود.^۳
این مقدمه حاوی نکات مهمی درباره ریشه‌شناسی تفکرات کسروی و حکمی‌زاده بوده و این تفکر را مورد تبارشناسی قرار داده است و امام عنوان «ریشه این گفتارها از کجا است؟» را برای این بخش انتخاب کرده است. امام با درج شرح حال محمد بن عبدالوهاب می‌نویسند که ریشه وهابیت با آرای ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم الجوزیه آغاز شده و در

نکردند و ما نیز با استفاده از قرآن و خرد، حرف هایش را مورد نقد قرار داده و بطلان حرف‌هایش را اثبات خواهیم کرد و لزوم کرنش در مقابل روایات را نیز ثابت خواهیم نمود.^۳
این مقدمه حاوی نکات مهمی درباره ریشه‌شناسی تفکرات کسروی و حکمی‌زاده بوده و این تفکر را مورد تبارشناسی قرار داده است و امام عنوان «ریشه این گفتارها از کجا است؟» را برای این بخش انتخاب کرده است. امام با درج شرح حال محمد بن عبدالوهاب می‌نویسند که ریشه وهابیت با آرای ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم الجوزیه آغاز شده و در

نکردند و ما نیز با استفاده از قرآن و خرد، حرف هایش را مورد نقد قرار داده و بطلان حرف‌هایش را اثبات خواهیم کرد و لزوم کرنش در مقابل روایات را نیز ثابت خواهیم نمود.^۳
این مقدمه حاوی نکات مهمی درباره ریشه‌شناسی تفکرات کسروی و حکمی‌زاده بوده و این تفکر را مورد تبارشناسی قرار داده است و امام عنوان «ریشه این گفتارها از کجا است؟» را برای این بخش انتخاب کرده است. امام با درج شرح حال محمد بن عبدالوهاب می‌نویسند که ریشه وهابیت با آرای ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم الجوزیه آغاز شده و در

نکردند و ما نیز با استفاده از قرآن و خرد، حرف هایش را مورد نقد قرار داده و بطلان حرف‌هایش را اثبات خواهیم کرد و لزوم کرنش در مقابل روایات را نیز ثابت خواهیم نمود.^۳
این مقدمه حاوی نکات مهمی درباره ریشه‌شناسی تفکرات کسروی و حکمی‌زاده بوده و این تفکر را مورد تبارشناسی قرار داده است و امام عنوان «ریشه این گفتارها از کجا است؟» را برای این بخش انتخاب کرده است. امام با درج شرح حال محمد بن عبدالوهاب می‌نویسند که ریشه وهابیت با آرای ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم الجوزیه آغاز شده و در

نکردند و ما نیز با استفاده از قرآن و خرد، حرف هایش را مورد نقد قرار داده و بطلان حرف‌هایش را اثبات خواهیم کرد و لزوم کرنش در مقابل روایات را نیز ثابت خواهیم نمود.^۳
این مقدمه حاوی نکات مهمی درباره ریشه‌شناسی تفکرات کسروی و حکمی‌زاده بوده و این تفکر را مورد تبارشناسی قرار داده است و امام عنوان «ریشه این گفتارها از کجا است؟» را برای این بخش انتخاب کرده است. امام با درج شرح حال محمد بن عبدالوهاب می‌نویسند که ریشه وهابیت با آرای ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم الجوزیه آغاز شده و در

نکردند و ما نیز با استفاده از قرآن و خرد، حرف هایش را مورد نقد قرار داده و بطلان حرف‌هایش را اثبات خواهیم کرد و لزوم کرنش در مقابل روایات را نیز ثابت خواهیم نمود.^۳
این مقدمه حاوی نکات مهمی درباره ریشه‌شناسی تفکرات کسروی و حکمی‌زاده بوده و این تفکر را مورد تبارشناسی قرار داده است و امام عنوان «ریشه این گفتارها از کجا است؟» را برای این بخش انتخاب کرده است. امام با درج شرح حال محمد بن عبدالوهاب می‌نویسند که ریشه وهابیت با آرای ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم الجوزیه آغاز شده و در

نکردند و ما نیز با استفاده از قرآن و خرد، حرف هایش را مورد نقد قرار داده و بطلان حرف‌هایش را اثبات خواهیم کرد و لزوم کرنش در مقابل روایات را نیز ثابت خواهیم نمود.^۳
این مقدمه حاوی نکات مهمی درباره ریشه‌شناسی تفکرات کسروی و حکمی‌زاده بوده و این تفکر را مورد تبارشناسی قرار داده است و امام عنوان «ریشه این گفتارها از کجا است؟» را برای این بخش انتخاب کرده است. امام با درج شرح حال محمد بن عبدالوهاب می‌نویسند که ریشه وهابیت با آرای ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم الجوزیه آغاز شده و در

نکردند و ما نیز با استفاده از قرآن و خرد، حرف هایش را مورد نقد قرار داده و بطلان حرف‌هایش را اثبات خواهیم کرد و لزوم کرنش در مقابل روایات را نیز ثابت خواهیم نمود.^۳
این مقدمه حاوی نکات مهمی درباره ریشه‌شناسی تفکرات کسروی و حکمی‌زاده بوده و این تفکر را مورد تبارشناسی قرار داده است و امام عنوان «ریشه این گفتارها از کجا است؟» را برای این بخش انتخاب کرده است. امام با درج شرح حال محمد بن عبدالوهاب می‌نویسند که ریشه وهابیت با آرای ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم الجوزیه آغاز شده و در

نکردند و ما نیز با استفاده از قرآن و خرد، حرف هایش را مورد نقد قرار داده و بطلان حرف‌هایش را اثبات خواهیم کرد و لزوم کرنش در مقابل روایات را نیز ثابت خواهیم نمود.^۳
این مقدمه حاوی نکات مهمی درباره ریشه‌شناسی تفکرات کسروی و حکمی‌زاده بوده و این تفکر را مورد تبارشناسی قرار داده است و امام عنوان «ریشه این گفتارها از کجا است؟» را برای این بخش انتخاب کرده است. امام با درج شرح حال محمد بن عبدالوهاب می‌نویسند که ریشه وهابیت با آرای ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم الجوزیه آغاز شده و در

صفحه ۶

دوشنبه ۸ دی ۱۴۰۴

۸ رجب ۱۴۴۷ – شماره ۲۴۰۴۲



را پیش بگیرد. حتی اوبراین پیشنهاد کرده بود که در صورت درج عذرخواهی آدر مجله، شکایت خود را پس بگیرد.

قطعاٌ در توانایی جوسلسون بود که کل ماجرا را متوقف کند. اما او این کار را نکرد.

در همین حال، کانر کروز اوبراین ترجیح داد که دادخواست افترا در دادگاهی در دویلین ابلاغ شود. برای کرمود که به هراس افتاده بود، مشخص گردید دفاعیه «مصونیت مشروط» در ایرلند به رسمیت شناخته نمی‌شود.

مشاوران حقوقی اینکاونتر حالا توصیه کردند که صرفاً این حکم را نادیده بگیرند، زیرا این مجله در ایرلند هیچ دارایی‌ای نداشت.

اما پیش از آنکه کرمود فرصت بررسی این پیشنهاد را پیدا کند، با روی دادهایی مواجه شد که به یکباره دفاعا از اینکاونتر را بی‌معنی می‌ساخت.

پانوشته‌ها:

۱- مگر می‌شد به آدم به این محترمی شک کرد. (متن نشان می‌دهد که باید شک کرد).
۲- پاورقی خود کتاب: بریدن در مقاله‌اش با عنوان «مشکل سازمان سیا چیست؟» به این موضوع پرداخته است. کورد مه بر تجسم این نگرش خوشبینانه بود. او در خاطرات خود نوشت: «کمک آمریکا به احزاب و نهادهای سیاسی دموکراتیک، برای بقای یک جامعه آزاد و کثرت‌گرا در اروپای غربی ضروری به نظر می‌رسید.

این واقعیت که کمک‌ها می‌باید محرمانه نگه داشته می‌شد، مرا آشفته نمی‌کرد. رهبران سیاسی و فرهنگی اروپایی که به مبارزه نابرابر خود با دستگاه‌های پارانهایگر می‌شوروی، از ما کمک می‌خواستند، شرط می‌گذاشتند که این کمک‌ها علنی نشود، زیرا دستگاه پروپاگانداى کمونیستی می‌توانست از هر گونه شواهد آشکار از حمایت رسمی آمریکا را به عنوان مدرکی دال بر عروسک‌خیمه‌شب‌بازی امپریالیست‌های آمریکایی بهره‌بردارى کند. اگر می‌خواستیم کمک‌هایمان نتیجه‌مکوم ندهد، می‌بایست محتاط و محرمانه عمل می‌کردیم.»- کورد مه‌یر، کتاب مواجهه با واقعیت.

حکمی‌زاده پاسخ داده شده است و شامل این مباحث می‌شود: اثبات امامت به وسیله قرآن و پنج دلیل در بیان اینکه چرا قرآن اسم امام را نبرده است، توضیح درباره کیفیت عقیده شیعه به امام، اخذ یک شبهه از بهائى‌ها توسط حکمی‌زاده درباره تاثیر کلام انبیا به جای معجزه، توضیح اخبار تقیه، اثبات وصایت امیرالمؤمنین، توضیح احادیث منزلت، حدیث غدیر، تلقین، سفینه و غیره از کتب شیعه و سنی، توضیح درباره تاثیر صفویه در حجم کتب تشیع و…^۱

گفتار سوم: روحانی

در گفتارسوم به پرسش‌های پنجم و ششم حکمی‌زاده پاسخ داده شده و درباره نهاد روحانیت بحث شده است در این گفتار به این مباحث پرداخته شده است: اصل نیاز به حکومت برای جوامع انسانی، دلیل حکومت فقیهه و نیابت امام زمان در زمان غیبت، بحث تقلید از مجتهد زنده، آشکار شدن چند دروغ حکمی‌زاده و نهمتی که به روحانیت نسبت داده بود، موقوفات و روحانی، ممر درآمد روحانی، و…^۲

در این فصل امام‌خمینی(قدس سره) به نکات مهمی درباره نحوه اعمال حاکمیت فقها نیز اشاره می‌کند و درباره آن، مجلس مؤسسانی که متشکل از فقها باشد را پیشنهاد می‌دهد که حاکم عادل انتخاب کنند و لزوماً این حاکم، می‌تواند فقیه نباشد ولی نظارت فقیه باید بالای اشکارساز باشد.^۳ امام در این گفتار به اجمال به بحث اسلام سیاسی و حاکمیت فقیه و حدود آن پرداخته است و تفصیل همین بحث در گفتار چهارم مورد بحث و بررسی کارشناسی قرار می‌گیرد.

۱. کشف اسرار (چاپ اول)، ص ۳-۲.
۲. همان (چاپ اول)، ص ۵-۴.
۳. همان (چاپ اول)، ص ۷.
۴. همان، ص ۵.
۵. همان، ص ۶-۶.
۶. همان، ص ۷-۶.
۷. همان، ص ۸-۷.
۸. همان، ص ۱۰-۸.
۹. «جایگاه و تاثیر کتاب کشف اسرار امام خمینی (رحمة الله علیه) در تحولات سیاسی تاریخ معاصر ایران»، ناصر جمال‌زاده و میثم آق‌آدادی، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، ص ۳، ش ۹، تابستان ۱۳۸۸، ص ۸۹.
۱۰. کشف اسرار، ص ۱۴.
۱۱. «جایگاه و تاثیر کتاب کشف اسرار امام خمینی (رحمة الله علیه) در تحولات سیاسی تاریخ معاصر ایران»، ناصر جمال‌زاده و میثم آق‌آدادی، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، ص ۳، ش ۹، تابستان ۱۳۸۸، ص ۸۹.
۱۲. همان.
۱۳. کشف اسرار، ص ۱۸۶-۱۸۵.

جنگ سرد فرهنگی: سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر- ۲۰۱

مصونیت مشروط

«مایکل مصمم بود کنگره را از افشاگری‌های آسیب‌زا محافظت کند، و من نیز همین‌طور. من با دروغ گفتن درباره آن هیچ مشکلی نداشتم. ما تقریباً مانند یک گروه دونفره عمل می‌کردیم.»

تام بریدن نیز بعدها نوشت: «حقیقت فقط مختص افراد درون [سازمان] بود.

سازمان سیا به مردانش آموخته بود که به بیرونی‌ها دروغ بگویند، دروغی آگاهانه و عمدی، بدون کمترین احساس

فرانک کرمود به دیدار یک وکیل ارشد لندنی رفت تا در مورد شکایت اوبراین از مجله اینکاونتر به اتهام افترا مشورت بگیرد. وکیل توصیه کرد دفاع از این پرونده بر اساس یک دفاعیه حقوقی کمترشناخته‌شده به نام «مصونیت مشروط» صورت گیرد.

یکی از دوستان مشترک کرمود و اوبراین، به کرمود اصرار کرد که از این پرونده دفاع نکند.

به جز بردن کرمود به ناهار در کلوب گاریک، مایکل جوسلسون چه اقدام دیگری انجام داد؟ (هیچ کاری!)

یک دادگاه علنی مربوط به اینکاونتر می‌توانست منجر به افشای شواهدی درباره‌ی شیوه‌های غیرمترعارف تأمین مالی و نشر آن شود؛ که باتوجه به تکزب‌های رسمی مکرر، رسوایی بزرگی به بار می‌آورد.

با این حال، به شکلی عجیبی، جوسلسون نتوانست تضمین کند مسئله به طور کامل خارج از دادگاه حل و فصل خواهد شد [حل و فصل خارج از دادگاه یعنی چاپ عذرخواهی در مجله و…] و در عوض اجازه داد کرمود مسیر دادگاهی

کتاب اسرار هزار ساله همزمان با جنگ جهانی دوم که ایران در اشغال نظامی نیروهای انگلیس و شوروی بود منتشر شد. کشف اسرار با یک مقدمه ده‌صفحه‌ای آغاز می‌شود و امام در مقدمه با اشاره به اشغال ایران نوشته‌اند که در این اوضاعی که کشور ما همچون سایر ممالک اسلامی، گرفتار جنگ و اشغال است می‌بینیم بعضی از افراد همین کشور، دست به آشوب و فتنه زده و تمام توان این کشور را برای ترویج افکار انحرافی و تفرقه‌آفرین صرف می‌کنند.

و به ملت ایران خیانت کردند. ما در ادامه به تک تک ادعاهای این جریان پاسخ می‌دهیم تا شرح دروغ‌ها و خیانت‌هایشان آشکار شده و تنبیه این فتنه‌انگیزان را از دولت و ملت غیور درخواست می‌کنیم.^۱

گفتار اول: توحید

در این گفتار به پرسش‌های اول و دومی که حکمی‌زاده آن‌ها را در اسرار هزار ساله طرح کرده بود، پاسخ داده شده است.

گفتار اول که با موضوع توحید است به شبهات وهابیت در مورد اعتقادات تشیع پاسخ می‌دهد و در آن از نمونه ایات قرآنی و آرای حکما و فلاسفه قبل از اسلام و دوره اسلامی استفاده می‌کند. بیان شرک مجوس و توحید و معنی شرک، اثبات شرک نبودن حاجت خواستن از مردگان و شفا خواستن از تربت، توضیح درباره معجزه پیامبران، غیب‌گویی، گنبد و بارگاه، شفاعت، استخاره، بداء و بحثی پیرامون زیارت جامعه کبیره در این گفتار مطرح می‌گردد.^۲ امام‌خمینی(قدس سره) دو پرسش ابتدائی حکمی‌زاده را که مربوط به توحید و شرک است به تفصیل پاسخ داده است و قریب ۱۰۰ صفحه از ابتدای کتاب به پاسخ آن دو پرسش اختصاص دارد.

سؤال اول را به پنج پرسش کوچک‌تر تبدیل کرده و یک پرسش نیز از جانب خود به آن افزوده است که به این شرح‌اند:
۱. حاجت خواستن از اینجغیر و امام شرک است یا نه؟
۲. شفا خواستن از تربت شرک است یا نه؟
۳. سجده کردن به تربت شرک است یا نه؟
۴. ساختن این گنبد و بارگاه‌ها شرک است یا نه؟
۵. اگر این‌ها شرک نیست، پس شرکی که این همه اسلام و قرآن با آن جنگیده چیست و معنی شرک کدام است؟
۶. آیا احترام و تعظیم از قبور شرک است یا نه؟^۳

امام‌خمینی(قدس سره) برای پاسخگویی به این سؤالات در روحانیت به روحانیت آورد تا علیه او قیام نکنند ولی علما علیه او به صورت آشکار یا پنهان افشاگری کردند این در حالی است که روشنفکران، در روزنامه‌ها و رسانه‌ها تلاش زیادی برای تظلمیر چهره و رضاخان و نیز حمله به روحانیت انجام داده